

«بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن»

□ محمدامین صابری *

چکیده

یکی از محوری‌ترین مباحث قرآنی، بحث امتحان و ابتلاء در قرآن است که آگاهی از معنا و فلسفه آن در برون رفت از مشکلات در زندگی انسان، تأثیر غیر قابل انکاری در سعادت بشر دارد. این نوشتار بعد از مفهوم‌شناسی، واژگان همچون، ابتلاء، فتنه، امتحان و تمحیص و... به این نکات می‌پردازد: حقیقت امتحان و ابتلاء چیست، عام و گسترده و فراگیر بودن ابتلاء، ابزار آزمایش، شدت ابتلاء به فراخور ایمان، عوامل موفقیت در آزموده‌ها، آزمایش پیامبران و اقوام آنها، فلسفه آزمایش الهی، انواع گوناگون بلاء و اثرات تربیتی بلاء و امتحان، با استفاده از آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده. در آخر هم نتیجه‌گیری و ذکر منابع خواهد بود.
واژگان کلیدی: امتحان، فتنه، ابتلاء، تمحیص، فلسفه آزمایش.

*. مقطع دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب. گرایش (فرقه‌های تشیع)

مقدمه

از آنجایی که آزمایش یک سنت همگانی الهی است و تأثیر به سزایی در سعادت و شقاوت و پاداش و کیفر انسان‌ها دارد، لازم است که زوایای این بحث از منظر قرآن و روایات بررسی شود تا همه انسان‌ها از حقیقت آزمایش، آگاه و راه‌های صحیح برون رفت از آزمایش‌های الهی آشنا گردند. به خاطر همین امر مهم، بر اساس وسع و توان، بر آن شدیم که آیات کریمه‌ای مربوط به آزمایش را به صورت فشرده و گزینشی، جمع و بررسی کنیم تا زمینه آگاهی و شناخت همگان فراهم آید.

هرچند بحث‌هایی زیاد و جای کار در این زمینه باقی است که فرصت بیشتر می‌طلبد، باید در تحقیق جداگانه‌ای به صورت مفصل بحث شود.

واژه شناسی

مفهوم ابتلاء در لغت

واژه ابتلاء از ماده بلا یبلو (ناقص واری) و یا بلی یبلی (ناقص یایی) به معنای امتحان و آزمایش است. ابن فارس در مقاییس می‌نویسد: بلوی: الباء واللام والواو والياء، اصلاان احدهما اخلاق الشیء والثانی نوع من الاختبار. (مقاییس اللغه، ماده بلوی).

کلمه ابتلاء، مصدر ثلاثی مزید است از باب افتعال از ریشه بلاء. این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۷ بار در ضمن ۳۴ آیه بکار رفته است. (موسوی نسب/۱۵).

در مفردات آمده است: بلی الثوب بلی و بلاء؛ یعنی لباس کهنه شد، و امتحان را از آن جهت ابتلاء گویند که گویا امتحان کننده، امتحان شده را از کثرت امتحان کهنه می‌کند. (مفردات راغب، ماده بلی). در لغت کلمه ابتلاء به معنای آزمون، تجربه و کشف کردن، بکار می‌رود؛ يقال بلاه و ابتلاء اذا اختبره و امتحنه.

به غم و اندوه از آن جهت بلاء گویند که بدن را کهنه و فرسوده می‌کند. همچنین تکلیف را

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن ۳

بدان علت بلاء گویند که بر بدن گران است و آن را فرسوده می‌سازد. (قرشی، ۲۹۱/۱). خلاصه: آنکه در معنای اصلی واژه بلاء اختلاف است؛ گروهی مثل ابن منظور و صاحب قاموس گویند: معنای اصلی آن، آزمایش و اختبار است و گروهی دیگر مثل مصطفوی و راغب گویند: معنای اصلی آن، دگرگونی و کهنه شدن است. اما معنای آزمایش و اختبار از لوازم معنای اصلی هستند.

نکته‌ای دیگری که لغت نویسان بدان اشاره کرده‌اند، کاربرد آن در موارد خیر و شر است. امام خمینی، در چهل حدیث در توضیح آن می‌نویسد: بلاء، اختبار و امتحان است و در نیک و بد استعمال می‌شود، چنانچه اهل لغت تصریح کرده‌اند. جوهری در صحاح می‌گوید: والبلاء یكون بالخير والشر يقال ابلاه الله حسنا وابتلیه معروفاً و حق تعالی نیز می‌فرماید: «بَلَاءٌ حَسَنًا.» (أنفال/۱۷).

بالجمله هرچه حق تعالی به آن بندگان خود را امتحان فرماید، بلاء و ابتلاء است چه از قبیل امراض و اسقام و فقر و ذلت و ادبار دنیا باشد یا مقابلات آنها، بسا باشد که انسان به کثرت جاه و اقتدار و مال و منال و ریاست و عزت و عظمت، امتحان شود. ولی هر وقت بلایا بلیه یا ابتلاء یا امثال آنها مطلق ذکر شود، منصرف به قسم اول شود. (امام خمینی، چهل حدیث، ۲۰۴).

مفهوم فتنه در لغت

از واژه‌های دیگر که به معنای بتلاء بکار می‌رود، اختبار و فتنه است. فتنه در لغت به معنای امتحان، آزمایش و ابتلاء است. و اصل آن از (فتنت الفضة والذهب فی النار) نقره و طلا را برای جدا کردن و خالص از ناخالص، با آتش ذوب کردن، گرفته شده است؛ لذا او را خالص گردانید و آن را در آتش گداخت و ذوب کرد. (بهاء الدین خرمشاهی، دانش نامه قرآن، ج ۲، ۱۵۴۳). فتنه در اصل به معنای آزمایش است. کلمه فتنه همان مفهوم آزمایش و امتحان را دارد؛ البته فتنه را از این جهت فتنه گویند، چیزی است که انسان را به خود مشغول می‌کند و امتحان بودنش به همین است. (مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۷، ۱۸۲).

و نیز گفته شده است: اصل واژه فتنه، گذاشتن طلا در آتش است تا خوبی آن از ناخوبی آن آشکار و سره از ناسره جدا شود (راغب اصفهانی، ۶۲۳، ۱۳۶۲).

طبرسی رحمته الله در مجمع البیان می نویسد: فتنه، امتحان، اختبار، نظیر هم هستند. فتنت الذهب فی النار، آن وقت گویند که طلا را در آتش برای خالص بودن و ناخالص بودن آن امتحان کنی. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ۳۳۱). پس به هرگونه امتحان و آزمایشی که برای آزمودن میزان اخلاص انسان‌ها انجام می‌گیرد، اطلاق شده است (مکارم شیرازی، ۱۶۷/۲۱).

مفهوم امتحان

کلمه امتحان، امتحنه و سایر مشتقات آن در قرآن کریم در مواردی مشاهده می‌شود. شاید بتوان گفت واژه امتحان، مضمون و معنی مشخصی برای بشر دارد؛ به ویژه برای مترّبی و معلم، ملموس‌تر و نتایج مهم و سرنوشت‌سازی دارد. کلمه امتحان و مشتقات آن را می‌توان برای مصداق در دو آیه شریفه زیر مشاهده کرد:

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره/۱۲۴)؛ «و چون پروردگار ابراهیم، وی را با صحنه‌های بیازمود و او به حد کامل آن امتحانات را انجام داد، به وی گفت: من تو را امام خواهم کرد، ابراهیم گفت: از ذریه‌ام نیز کسانی را به امامت برسان، فرمود عهد من به ستمگران نمی‌رسد.»

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ. (حجرات/۳)؛ آنان که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به صدای آرام و آهسته سخن گویند، آنها هستند که در حقیقت خدا دل‌هایشان را برای تقوا آزموده است. ایشان آمرزش و اجر عظیم دارند.»

واژه امتحان از باب افتعال و به معنای ابتلاء و اختبار است. ریشه این کلمه از واژه «مَحَن» به معنای آزمایش است. کاربردش در مواردی است که بخواهند چیزی را بیازمایند. وقتی گفته می‌شود محنت الذهب به این معناست که طلا را در آتش گذاختم و با جدا کردن شائبه‌ها آن را خالص کردم. امتحان دانشجو و دانش‌آموز نیز به همین معناست (ابن منظور، بی تا، ج ۱۳، ۴۲).

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن ۵

مشتقات این واژه در قرآن کریم دو مرتبه آمده است: الف) سوره ممتحنه: «فَأَمْتَحِنُوهُنَّ» (ممتحنه/۱۰، ب) سوره حجرات: «أَمْتَحِنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى» (حجرات/۳).
«امتحن» از ماده امتحان، در اصل به معنای ذوب کردن طلا و گرفتن ناخالصی آن است. و گاهی به معنای گسترده چرم نیز آمده ولی بعداً در معنای آزمایش بکار گرفته است؛ مانند آیه سوم حجرات، آزمایشی که نتیجه آن خلوص قلب و گسترده‌گی آن برای پذیرش تقواست.)

مفهوم تمحیص

از دیگر مفاهیمی که از آیات قرآن کریم می‌توان استخراج کرد، مفهوم تمحیص است که از نظر مفهومی به واژه‌های ابتلاء، امتحان و آزمایش کاملاً مرتبط است. کلمه محص به معنای خالص و پاک کردن است؛ یعنی در نتیجه آزمایش، انسان از آلودگی‌ها پاک می‌شود و خداوند از طریق ابتلاء، ایمان انسان را از نظر قلبی از هر ناخالصی پاک می‌کند.

برخی مفسران می‌نویسند: «تمحیص از ریشه محص به معنی خالص کردن چیزی از ناخالصی‌های چیز است که از بیرون بدان داخل شده است. خاصیت خالص سازی در انسان، معلوم کردن ایمان مؤمنان برای جداسازی آن از غیر ایشان است؛ همچنین خالص کردن ایمان از ناخالصی‌های کفر و نفاق و فسق است. خداوند اجزای کفر و نفاق و فسق را کم کم از مؤمن می‌زداید تا جز ایمانش چیزی باقی نماند و ایمانش خالص برای خدا باشد. (طباطبائی، ۱۳۷۷، ج ۴، ۴۳.)

برخی دیگر از صاحب نظران و لغت شناسان واژه محص را به معنای خالص کردن و بر طرف نمودن عیب از یک چیز و همانند تزکیه و تطهیر معنا کرده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ۷۶۱.)
کلمه محص و تمحیص و ارتباط آن با نتیجه آزمایش را به خوبی می‌توان از مفهوم آیه شریفه زیر دریافت کرد.

«وَلِيَمَّحَصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران/۱۴۱) «و تا آنکه اهل ایمان را از هر عیب پاک کند و کافران را نابود گرداند.»

انسان‌ها باید در ایمانی که به خدا دارند و یا ایمانی که آوردند، این ایمان در دلشان استوار و خالص شود؛ به همین دلیل بیشتر مفسران برای مفهوم محص و تمحیص، خاصیت تهذیب و تطهیر قائل هستند. در مفهوم فتنه نیز همین پاکیزگی از نظر گذشت.

مفهوم آزمایش

اسم مصدر آزمودن، به عربی: بلاء، امتحان، فتنه، اختبار و ابتلاء آمد است. این واژه در هردو لغت (فارسی و عربی) به معنای آشکار ساختن حقیقت چیزی و خالص نمودن گوهری از آمیزه‌های پنهانی آن است. اگر این کار توسط شخص ناآگاه صورت گیرد، هدف دستیابی به حقیقت آن شیء باشد. اگر آزمایش کننده خود به حقیقت آن چیزی پی ببرد، غرض آن باشد که دیگری بدان آگاه گردد. مانند زرگری که می‌خواهد زر ناخالص را از کسی که مدعی خلوص آن است بخرد و آن را در بوته آزمایش می‌نهد و فروشنده را به مغشوش بودن آن آگاه می‌سازد. اما اگر آزمایش کننده خود آگاه و آزمایش شده و فاعل مختار باشد مانند آزمایش که خداوند در مورد انسان اعمال می‌دارد، هدف این کار آشکار شدن ماهیت آزمایش شده است. (معارف و معاریف، مصطفی حسینی دشتی، ج ۲، ۸۵).

حقیقت ابتلاء و امتحان

حقیقت امتحان و ابتلاء، تجربه نمودن و آزمودن امری است تا از خصوصیات و ویژگی‌های آن آگاهی یابیم یا به گونه‌ای که مورد آزمایش شده، نهان خویش را نمایان سازد آنچنان که در ماده بلی الثوب بدان اشاره شد.

بنابر این، گرچه کاربرد اکثری واژه امتحان و ابتلاء، آگاهی و شناخت به مجهول است اما این جهل و عدم شناخت در حقیقت امتحان اخذ نشده است که اسناد امتحان به خداوند، اسناد مجازی باشد بلکه جهل از خصوصیت مورد می‌باشد.

برخی از مفسران در تفسیر خویش فرموده است: در حقیقت امتحان دو چیز شرط است:

الف) تقلب و تحول؛ یعنی ایجاد انقلاب و تحول کردن.

ب. نهان شدن درون

پس در حقیقت امتحان نه یک چیز اخذ شده تا بگوییم که فقط تقلب و تحول باشد بلکه در حقیقت آن افزون بر ایجاد تحول، ظاهر شدن درون مطرح است؛ یعنی آنچه که در نهان مخفی است آشکار شود. و همچنین در حقیقت امتحان چیز دیگری افزودن بر دو مورد، اخذ نشده است؛ یعنی جهل ممتحن در حقیقت امتحان اخذ نشده است بلکه این از خصوصیات مورد می باشد. (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ذیل آیه ۱۴۴ آل عمران.)

ابعاد عام سنت آزمایش (ابتلاء)

الف. گسترده‌گی زمان، مکانی

آزمایش الهی از نظر زمان و مکان، یک امر مقطعی و منطقه‌ای نیست که مخصوص دوره و زمانی باشد و یا به منطقه و کشور خاصی محدود شود و ساکنان نقاط دیگر از قلمرو آزمایش الهی خارج شوند؛ بلکه نسبت آزمایش و امتحان از این نظر، دائمی و جهان شمول است. تا روزی که دنیایی وجود دارد و در آن نوع بشر زندگی می کند، آزمایش الهی هم وجود دارد.

بعضی از آیات دلیل بر این مطلب است که عبارتند از:

۱. «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا آمَنًا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ.» (عنکبوت/۲) «آیا مردم گمان

می کنند به حال خود رها می شوند و آزمایش نمی شوند.»

۲. «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ.»

(عنکبوت/۳)

«در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آن بودند آزمایش کرده ایم و بی تردید خداوند کسانی را

که در ادعای ایمان راست گفته اند می شناسد و قطعاً دروغگویان را نیز می شناسد.»

ب. فراگیری انسانی

به توجه به بعضی از آیات کریمه، همه انسان ها در معرض قانون آزمایش الهی قرار دارند و

- هیچ فردی از نوع بشر از آزمایش‌های الهی مستثنی نیست. بعضی از این آیات عبارتند از:
۱. «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا.» (انسان/۲). «ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم.»
 ۲. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ.» (ملک/۲). «آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید.»
 ۳. «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا.» (احزاب/۱۱). «در آنجا مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.»
 ۴. «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ.» (عنکبوت/۲). «آیا مردم گم‌گام می‌گردند به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟»

ج. عمومیت از نظر اسباب و عوامل

کثرت و گستردگی اسباب و عوامل آزمایش به حدی است که نمی‌توان آمار مشخصی برای آن ذکر نمود. اما به طور خلاصه می‌توان گفت هرکه به نحوی با شئون ارادی انسان در ارتباط است و در انتخاب و گزینش انسان مؤثر است، می‌تواند از عوامل آزمایش به شمار رود.

در آیات قرآن نیز، کثرت و وسعت عوامل ابتلاء با تعبیرات مختلف بیان شده است:

۱. «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ (انعام/۱۶۵)؛ او کسی است که شما را جانشینان و نمایندگان خود در زمین ساخت و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید.»

کلمه (ما) در آخر آیه شامل همه نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود (موسوی نسب/۲۶).

۲. «وَلَيَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵)؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم.»

در اینجا نیز کلمه (شیء) عام است شامل هر نوع اسباب مادی و معنوی می‌شود. کلمه

(من) بعد از آن، برای بیان مفهوم (شیء) نیست تا اختصاص به موارد مذکور داشته باشد بلکه برای مصداق بارز (شیء) است (موسوی نسب، ۲۶).

۳. **إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا** (کهف/۷)؛ ما آنچه را

روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم، کدامینشان بهتر عمل می کنند.

کلمه (ما) در آخر آیه شامل هر عطای خداوندی می شود.

ابزار آزمایش الهی

برای تحقق آزمایش و ابتلائات الهی باید زمینه ارتکاب افعال اختیاری و انتخاب راه و روش برای انسان ها فراهم گردد و چیزهایی در دسترس آنان قرار گیرد که به وسیله آنها آزموده شوند.

این ابزارهای آزمایش، هم چیزهایی است که مورد پسند و خوشایند انسان هاست و هم چیزهایی است که آدمیان آنها را نمی پسندند و خوش نمی دارند.

به دیگر سخن: برای تحقق آزمایش، همواره باید خوشی ها و لذات و نا خوشی ها و آلامی وجود داشته باشند تا وسیله آزمایش انسان ها گردد. انسان ها موظفند که از بعضی خوشی ها صرف نظر کنند و بر پاره ای از ناخوشی ها، صبر و شکیبائی ورزند و بدین ترتیب آزموده می شوند. پس وجود خوشی ها و آلام در زندگی دنیوی یک اصل است و در متن تدبیر الهی ملحوظ بوده است و چنین نسبت که اصل بر این بوده است که همه انسان ها در دنیا، خوش و خرم باشند و یک سلسله علل عارضی موجب پدید آمدن ناخوشی ها و ناکامی ها شده است یا اصل بر این بوده است که انسان ها همه ناخوش و قرین درد و رنج باشند و یک رشته عوامل عرضی، سبب پدیدار شدن خوشی ها و کامیابی ما شده است. (مصباح، محمد تقی، جامعه و تاریخ، ۴۳۰).

۱. تعداد ماموران دوزخ

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا

(مدثر/۳۱)؛ ماموران دوزخ را جز فرشتگان عذاب قرار ندادیم و تعداد آنها را جز برای

آزمایش کافران معین نکردیم.

این آزمایش از دو جهت بود: نخست از این جهت که آنها استهزاء می‌کردند که چرا از میان تمام اعداد، عدد نوزده انتخاب شده، در هر حالی که هر عدد دیگری انتخاب شده بود جای همین سؤال وجود داشت.

از سوی دیگر این تعداد را کم شمردند و از روی سخره می‌گفتند: ما در مقابل هر یک از آنها ده نفر قرار می‌دهیم تا آنها را درهم بشکنیم! در حالی که فرشتگان خدا چنان هستند که به گفته قرآن چند نفر از آنها مامور هلاکت قوم لوط می‌شوند و شهرهای آباد را از زمین برداشته زیر و رو می‌کنند. (مکارم شیرازی/۲۵/۲۴۰، ۲۳۹).

۲. کشتن پسران و زنده نگاه داشتن دختران توسط فرعونیان

يَذَّبُحُونَ أَبْنَاءَ كُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَ كُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (بقره/۴۹): پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگاه می‌داشتند و در اینها آزمایش بزرگی از طرف پروردگاتان برای شما بود.

و به همین مضمون است آیات سوره اعراف (۱۴۱) و ابراهیم (۶۱)

۳. اموال و فرزندان

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن/۱۵). «اموال و فرزندانان فقط وسیله آزمایش هستند.»

۴. ناقه صالح

«إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهَا وَأَصْطَبِرْ» (قمر/۲۷). «ما ناقه را برای آزمایش آنها می‌فرستیم.»

۵. مجسه گوساله:

«قَالَ فَإِنَّا قَدْ فِتَّنَا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه/۸۵). «فرمود ما قوم تو را بعد از تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت.»

۶. نعمت‌های مادی

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ (طه/۱۳۱)؛
و هرگز چشم‌های خودت را به نعمت‌های مادی که به گروه‌های از آنان داده‌ایم میفکن، اینها
شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیاوزماییم.

۷. فقر و نداری

«وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ...» (انعام: ۵۳) «و این چنین بعضی از آنها را با بعضی دیگر آزمودیم.»

۸. نعمت الهی

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْتَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (زمر: ۴۹)؛ هنگامی که انسان را زبانی رسد ما را (برای حل
مشکلاتش) می‌خواند، سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می‌گوید این نعمت
را به خاطر کردانی خودم به من داده‌اند ولی این وسیله آزمایش آنهاست، اما بیشترشان نمی‌دانند.

۹. درخت زقوم

«إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ.» (صافات: ۶۳). «ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم.»
«فتنه» در آیه ممکن است به معنی رنج و عذاب باشد و ممکن است به معنی آزمایش باشد،
اشاره به اینکه آنها هنگامی که نام زقوم را شنیدند، به سخریه و استهزاء پرداختند و از این رو وسیله‌ای
برای آزمایش این ستمگران شد. (مکارم شیرازی/۱۹/۷۱).

۱۰. نهر آب

قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي.»
(بقره/۲۴۹)؛ به آنها گفت: خداوند شما را به وسیله یک نهر آب آزمایش می‌کند، آنها (که
به هنگامی تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که جز یک پیمانه با دست خود،
بیشتر از آن نخورند، از من هستند.

۱۱. زینت زمین

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.» (کهف: ۷) «ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم که کدامشان بهتر عمل می‌کنند.»

۱۲. ذبح فرزند

«إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ.» (صافات/۱۰۶) «این مسلما امتحان آشکار است.»

۱۴. دستورات الهی

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ (هود: ۳۷)؛
ما به نوح وحی کردیم که کشتی را در حضور ما بساز... آری در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه‌هایی است و مسلما همگان را آزمایش می‌کنیم.

۱۵. خیر و شر

«وَيَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.» (الانبیاء: ۳۵) «و ما شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم.»

در حدیثی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم که امام بیمار شده بود، جمعی از برادران (یاران) به عیادتش آمدند، عرض کردند: کیف نجدک یا امیر المؤمنین؟ قال بالشر؛ حالتان چطور است ای امیر مؤمنان؟ فرمود: شر است. گفتند این سخن شایسته مثل شما نیست. قالوا ما هذا کلام مثلک. امام فرمود: ان الله تعالی يقول: «وَيَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.» فالخير: الصحة والشر: المرض والفقير. (مکارم شیرازی، ۱۳/۴۰۵).

۱۶. خلقت خدا

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (هود: ۷)؛ او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران)

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن ۱۳

آفرید و عرش (حکومت) او بر آب قرار داشت (به خاطر این آفرید) تا شما را بیازماید.

۱۷. عهد و پیمان

«وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ... إِنَّمَا يَبُلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ...» (نحل: ۹۲). «خدا می خواهد شما را با این وسیله آزمایش کند.»

۱۸. تنگی روزی

«وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ.» (فجر: ۱۶). «و اما هنگامی که برای امتحان روزیش را برای او تنگ می گیرد.»

۱۹. کمبودها و کاستی‌ها

وَلَيَبْلُوكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره: ۱۵۵)؛ قطعا همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می کنیم، و بشارت ده به استقامت کنندگان.

۲۰. تکالیف الهی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مائده: ۹۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد، می‌آزماید تا معلوم شود چه کسی در نهان از خدا می‌ترسد.

سخت‌ترین آزمایش‌ها

گرچه انسان همیشه و در هر حال در میدان آزمایش‌های الهی است اما برخی از آنها دشوارتر و سخت‌تر می‌باشند که شاید بتوان آنها را امتحان اصلی نام نهاد.

در روایات معصومین علیهم‌السلام به بعضی از این موارد اشاره شده است که به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

۱. انفاق مالی

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «ما بلا الله العباد بشيء اشد عليهم من اخراج الدرهم.» (صدوق/ خصال/ ص ۸۰)

«خداوند بندگان را به چیزی سخت تر از بذل و بخشش مال نیازموده است.»

۲. املاء و فرصت بر بندگان

امام علی علیه السلام می فرماید: «ما ابتلى الله بمثل الاملاء له.» (مجلسی/ بحار الانوار/ ج ۴۰/ ۷۵)

«خداوند هیچ کسی را به چیزی همچون مهلت دادن به او نیازموده است.»

۳. مواسات، انصاف و ذکر خداوند

امام علی علیه السلام می فرماید:

ما ابتلى الله المؤمن بشيء هو اشد عليه من خصال ثلاث يحرمها، قيل و ما هن؟ قال: المواساة في ذات يده والانصاف من نفسه و ذكر الله كثيرا، اما اني لا اقول لكم: سبحان الله والحمد لله و لكن ذكر الله عند ما احل له و ذكر الله عند ما حرم عليه.» (مجلسی/ بحار الانوار/ ج ۴۴/ ۷۵)؛ مؤمن به چیزی از نداشتن سه خصلت امتحان نشود، عرض شد: آن سه کدامند؟ فرمود: کمک مالی یا هرچه دارد. انصاف داشتن و یاد خدا در هر حال. مقصود به زبان آوردن سبحان الله و الحمد لله نیست بلکه به یاد خدا بودن در آنچه برایش حلال کرده و یاد خدا بودن در مواردی که بر او حرام کرده است.

۴. فقر و محرومیت

امام صادق علیه السلام فرموده است: «ثلاث من ابتلى بواحدة منهن تمنى الموت: فقر متباع و حرمة فاضحة و عدو غالب.» (مجلسی/ بحار الانوار/ ج ۲۳۲/ ۷۵) سه چیز است که هر کسی به یکی از آنها گرفتار شود آرزوی مرگ کند، فقر پیاپی، محرومیت رسوا و دشمن چیره.

شدت ابتلاء به فراخور ایمان

سختی‌ها و شداید که وسیله آزمونند، مقدمه کمال و سعادتند و لذا شدت سختی‌ها و ابتلائات برای دوستان خدا، لطفی است که زمینه ساز رشد و پرورش استعدادهای عالی آنان را فراهم می‌آورد. پس هرکه محبوب‌تر؟ بلایش بیشتر و سخت‌تر است.

امام باقر علیه السلام فرموده است:

ان الله عزوجل لیتعاهد المؤمن بالبلاء كما يتعاهد الرجل اهله بالهداية من الغيبة (کافی، کتاب الایمان والکفر، باب شدة ابتلاء المؤمن، ج ۲، ۲۵۵)؛ خدا از بنده مؤمنش تفقد می‌کند و برای او بلاها را هدیه می‌دهد همان‌طور که مرد از سفر برای خانواده‌اش هدیه می‌آورد.

در کتاب علی علیه السلام آمده است: همانان مؤمن به فراخور کارهای نیکش بلا می‌بیند. پس هرکه دینش درست و کردارش نیکو باشد بلایش سخت است؛ زیرا خدای عزوجل دنیا را پاداش مؤمن و کیفر کافر قرار نداده است و هرکه دینش سست و کردارش ضعیف باشد بلایش اندک است. (کافی، کتاب الایمان والکفر، باب شدة ابتلاء المؤمن، ج ۲، ص ۲۵۹).

عوامل موفقیت در آزمودن‌ها

تاریخ آزمایشگاه افراد و جوامع مختلفی است که مورد آزمایش و امتحان قرار گرفته‌اند، برخی با موفقیت و برخی دیگر ناموفق و شکست خورده‌اند. دقت و تأمل در این آزمایشگاه می‌تواند ما را به رمز موفقیت در آزمون‌ها و آشنایی با آسیب‌ها و موانع یاری دهد. از مهم‌ترین عوامل موفقیت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. صبر و پایداری

مهم‌ترین رمز پیروزی، صبر و پایداری است و به همین دلیل خدای سبحان بشارت پیروزی را در انتها به صابران و افراد با استقامت می‌دهد.

«وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِسَيِّئٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ

الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵)؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می‌کنیم، و بشارت ده به استقامت کنندگان.»

۲. ایمان به هدف

ایمان به هدف، محرک باطنی و درونی که انسان را به سوی هدف می‌کشاند و سختی‌ها و مشکلات را آسان و هموار می‌نماید و در گرفتاری‌ها با دل مطمئن و آرام به راه خود ادامه می‌دهد و خداوند روشن بینی بیشتری به آنها می‌دهد که در انتخاب راه، مضطرب و سرگردان نشوند. چنانکه در قرآن می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا.» (عنکبوت: ۶۹). «کسانی که در راه ما به جهاد برخیزند ما آنها را به راه‌های خود دعوت می‌کنیم.»

۳. تقوا و پرهیزکاری

از مؤثرین رمزهای موفقیت انسان که راه بیرون رفت وی در گرفتاری‌ها و مشکلات هموار می‌سازد، تقوا و پرهیزکاری است که در آیات بیشماری بر آن تاکید می‌ورزد.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (طلاق: ۴)؛ هرکس از خدای تقوا پیشه کند و پرهیزکار باشد، خداوند مشکلات کار او را آسان فرماید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (انفال: ۲۹)؛ ای اهل ایمان اگر خدا ترس و پرهیزکار شوید حتماً به شما فرقان ببخشد.

۴. دنیا شناسی

یکی دیگر از عوامل موفقیت، شناخت صحیح به دنیا است که این جهان گذرگاهی بیش نیست و محل پاداش و مجازات نمی‌باشد که این حقیقت در جمله «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.» (بقره: ۱۵۶) به آن تصریح شده است «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.» (بقره: ۱۵۶).

«آنان که چون به حادثه سخت و ناگوار دچار شوند، صبوری پیشه گرفته گویند ما به فرمان

خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد.»

۵. آگاهی خداوند

توجه به این حقیقت که همه این حوادث در پیشگاه خداوند رخ می‌دهد و او از همه چیز آگاه است، کسانی که در یک مسابقه دشوار و طاقت فرسا شرکت دارند، همین که احساس می‌کنند جمعی از دوستانشان در میدان مسابقه آنها را می‌بینند، تحمل مشکلات برای آنها آسان می‌شود و با شوق و عشق بیشتری به نبرد با حوادث بر می‌خیزند.

جایی که چند نفر تماشاچی چنین اثری در روح انسان بگذارد، توجه این حقیقت که خداوند مجاهدت‌های ما را در صحنه‌های آزمایش می‌بیند، چه عشق و شوری به ادامه این جهاد در ما ایجاد خواهد کرد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه/ج ۱/۵۳۲).

۶. تجربه تاریخی

توجه به تاریخ پیشینیان و بررسی عملکرد آنان در برابر آزمایش‌های الهی برای پند پذیری و آماده ساختن روح انسان نسبت به امتحانات پروردگار، بسیار مؤثر است. اصولاً اگر انسانی در مسائلی که برای او پیش می‌آید، احساس تنهایی کند، از نیروی مقاومتش کاسته خواهد شد اما توجه به این حقیقت که این مشکلات و آزمایش‌های سخت الهی برای همه اقوام و ملت‌ها در طول تاریخ وجود داشته است، سبب افزایش نیروی پایداری انسان می‌گردد و به همین دلیل قرآن مجید به طور مکرر برای دل‌داری پیامبر و تقویت روحیه او و مؤمنان اشاره به تاریخ گذشتگان و حوادث دردناک زندگی آنها می‌کند. (همان).

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا وَلَا مُبَدِّلَ
لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ (انعام: ۳۴)؛ پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند
و در برابر تکذیب‌ها، صبر و استقامت کردند و (در این راه) آزاد دیدند تا هنگامی که یاری ما به
آنها رسید (تو نیز چنین باش و این یکی از سنت‌های الهی است) و هیچ چیز نمی‌تواند سخن
خدا را تغییر دهد و اخبار پیامبران به تو رسیده است.

پیامبران و آزمایش الهی

خداوند در قرآن کریم علاوه بر آنکه بر عمومیت ابتلاء در نوع بشر تصریح کرده است، به آزمایش نمودن بعضی از پیامبران الهی و قوم آنها هم اشاره نموده است که به نظر می‌رسد بیان این مطلب، قوت قلب و تسکین مردم باشد که بدانند آزمایش الهی همگانی است و بتوانند همچون پیامبران با استفاده از عوامل موفقیت بیرون رفت، از آزمایش الهی سربلند بیرون آیند.

۱. آدم علیه السلام

حضرت آدم اولین انسانی است که مورد آزمایش خداوند قرار گرفته است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: آیا نمی‌بینید که خداوند سبحان پیشینیان از حضرت آدم تا آخرین نفر از این جهان را آزمایش فرموده است. (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲).

قرآن کریم در داستان هبوط حضرت آدم علیه السلام می‌فرماید:

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (بقره/۳۶-۳۵)؛ و گفتیم ای آدم تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و از هر جای آن می‌خواهید گوارا بخورید اما نزدیک این درخت نشوید که از ستمکارن خواهید شد، شیطان آنان را به لغزش انداخت و آنها را از آن چه در آن بودند بیرون کرد.

این آیه به امتحان حضرت آدم علیه السلام و همسرش اشاره می‌نماید که خداوند بدان منظور آنها را از خوردن میوه یک درخت نهی می‌فرماید، اما آنها به وسوسه شیطان از آن درخت تناول می‌کنند و همین امر باعث اخراج آنها از بهشت می‌شود.

۲. ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام

از بررسی آیات قرآن و اقوال مختلف مفسران و روایات متعددی که وارد شده است، چنین می‌توان گفت که حضرت ابراهیم به امور مختلف و سختی آزموده شده و یک سلسله وظایف سنگین و مشکل بر دوش او گذارده شده است. و این پیامبر مخلص خداوند همه آنها را به

عالی‌ترین وجه ممکن به انجام رسانده است. از جمله آنها:

۱. بردن فرزندش اسماعیل به قربانگاه و اقدام به قربانی او؛

۲. هجرت خود و اهلس به سرزمین خشک و بی آب و علف؛

۳. قیام در برابر بت پرستان و مبارزه سر سختانه با آنان؛

۴. صبر و مقاومت در برابر شکنجه و آزار مشرکان؛

۵. فرورفتن در آتش با توکل و ایمان به خدا.

قرآن در باره وی می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.» (بقره/۱۲۴). به یاد آور زمانی را که خداوند ابراهیم را با یک رشته امور آزمایش کرد و او نیز به خوبی از عهده آنها بر آمد و به او گفت: من تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم.

۳. اسماعیل عليه السلام

ابراهیم عليه السلام در خواب می‌بیند که از سوی خداوند فرمان یافته است یگانه فرزند دل‌بندش را به قربانگاه برد و با دست خویش، کارد بر گلویش نهاده، قربانی کند و این فرمان هم امتحان پدر است و هم امتحان فرزند.

پدر اکنون باید انتخاب کند خدا را یا خود را، ایمان را یا غریزه و عاطفه را، پدری را یا پیامبری را و این بنده راستین خدا در این جهاد بزرگ، پیروز می‌شود و مصمم به ذبح اسماعیل می‌شود.

اما اسماعیل که امتحانش سخت‌تر و دشوارتر از پدر است او باید جان‌ش را فدا کند و

تسلیم فرمان خدا شود و به کلام پدر گوش فرا دهد، پدر می‌گوید: «قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي

الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ» پسر جان من در خواب می‌دیدم که دارم تو را ذبح می‌کنم

بنگر تا چه می‌بینی. اسماعیل مصمم و استوار می‌گوید: «قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي

إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ.» پدر آنچه مامور شده‌ای انجام ده ان شاء الله مرا از صابران

خواهی یافت.» (صافات/۵۴-۵۳).

خداوند امتحان ابراهیم و اسماعیل را بلاء مبین تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.» (صافات: ۱۰۵) ما این چنین به نیکوکاران پاداش می‌دهیم، «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ.» (صافات: ۱۰۶) این به راستی همان آزمایش آشکار است.

۴. ایوب عليه السلام

یکی دیگر از پیامبرانی که دچار امتحانات سخت و طاقت فرسایی شده است، حضرت ایوب عليه السلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.» (انبیاء: ۸۳) و ایوب را به یاد آور هنگامی که پروردگارش را خواند و عرض کرد بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

۵. داود عليه السلام پیامبر بزرگ

او با طرح سوالی از جانب دو نفر که مشروح آن در سوره ص آیات ۲۴-۲۳ وارد شده مورد آزمایش قرار گرفت.

۶. سلیمان عليه السلام فرزند حضرت داود عليه السلام

او نیز مانند پدرش داود به طور خصوصی مورد آزمایش قرار گرفت و قرآن به این حقیقت اشاره می‌کند: «وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ.» (ص: ۳۴) و به راستی سلیمان را در باره فرزندش آزمودیم و (آزمون این بود که) بر تختش (جسدی بی از فرزندش) افکندیم (و فرزندش که سلیمان به زنده بودن او بسیار امید داشت) آنگاه به درگاه خدا رجوع کرد (و همه آموزش را به خدا واگذاشت).

۶. قوم بنی اسرائیل

قوم بنی اسرائیل که در غیبت موسی عليه السلام به وسیله سامری، مورد آزمایش قرار گرفتند. «قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ.» (طه: ۸۵) خدا گفت ای موسی ما به راستی

قوم تو را پس از آمدن تو، امتحان کردیم و سامری آنان را گمراه کرد.

۷. بزرگان قوم موسی علیه السلام

«گروهی از بزرگان قوم موسی علیه السلام در میقات مورد آزمایش قرار گرفتند و از موسی علیه السلام در خواست کردند که حتما باید خدا را با دیدگان ظاهری ببینند، در این موقع صاعقه آنان را فرا گرفت.» (اعراف/۱۵۵).

۸. قوم صالح علیه السلام:

این گروه از پیامبر خود در خواست کرد که از طریق اعجاز، شتری از کوه بیرون آید، خداوند به درخواست آنان به عنوان آزمایش، پاسخ مثبت گفت. «إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاصْطَبِرْ.» (قمر: ۲۷). به صالح گفتیم (ما برای آزمایش آنان یقیناً آن ماده شتر در خواست شده) را خواهیم فرستاد، پس در انتظار سر انجام آنان باش و شکیبایی پیشه کن.

۹. گروهی از بنی اسرائیل

گروهی از بنی اسرائیل به وسیله دو فرشته که به مردم سحر و جادو می‌آموختند و آموزش دیدگان می‌توانستند آن را در موارد خوبی به کار ببرند، مورد آزمایش قرار گرفتند. (بقره/۱۰۲).

۱۰. صیادان روز شنبه

گروهی از بنی اسرائیل که در لب دریا زندگی می‌کردند، مورد آزمایش قرار گرفتند؛ چون به آنان دستور داده شده بود که روزهای شنبه که دریا مملو از ماهی می‌باشد از صید ماهی خورداری کنید، آنان به سه گروه تقسیم شدند: گروهی عاصی و کنجکاو و گروه سوم مطیع و سرانجام جز گروه سوم، همگی گرفتار خشم الهی شدند. (اعراف/۱۶۷-۱۶۳).

۱۱. حضرت موسیٰ علیه السلام

موسی بن عمران علیه السلام از دوران تولد تا روزی که از جهان دیده بربست در بوته آزمایش‌های الهی قرار گرفت و قرآن بسیاری از مایه‌های آزمایش او را یاد کرده است. قرآن پس از بازگویی آنها خطاب به موسی علیه السلام می‌فرماید: «وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدْرًا يَا مُوسَىٰ.» (طه: ۴۰). ما تو را با آزمایش‌هایی آزمودیم، آنگاه در میان مردم اقامت گزیدی و اکنون به مقام نبوت رسیدی.

۱۲. آزمایش مسلمانان در جنگ احد

ابتداء پیروزی با مسلمانان بود ولی از لحظه‌ای که گروهی از یاران پیامبر برای گردآوری غنائم جنگی از دستور پیامبر سرپیچی کردند، دشمن از پشت سر بر آنان تافت و آن چنان عرصه را بر مسلمانان تنگ کرد که گروهی با فرار گذارند و فقط عده‌ای انگشت شماری در میدان برای دفاع از وجود پیامبر باقی ماندند. (آل عمران/۱۷۹-۱۳۹).

۱۳. آزمایش مسلمانان در جنگ احزاب

آیاتی از سوره احزاب بیانگر اجمالی جنگ خندق است. جنگی که قرآن کریم آن را آزمایش سخت مؤمنان می‌داند و می‌گوید: «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا.» (احزاب: ۱۱). در آنجا افراد با ایمان مورد امتحان قرار گرفته و افراد ضعیف‌الایمان سخت متزلزل شدند.

۱۴. قوم فرعون

«وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ.» (دخان: ۱۷). ما قبل از این‌ها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغ آنها آمده است.

۱۵. پیروان طالوت

«فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ...» (بقره/۲۴۹). و هنگامی که

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن ۲۳

طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد) و سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند شما را به وسیله یک نهر آب آزمایش می‌کند.

۱۶. پیروان پیامبر اسلام ﷺ

«وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ.» (اسراء: ۶۰). ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود.

فلسفه آزمایش الهی

قبل از بیان فلسفه و علت آزمایش، ذکر اهداف آزمایش، ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف آزمایش

نوع اول: گاهی امتحان و آزمایش برای شناختن است؛ به این معنی که شخص امتحان کننده وقتی می‌خواهد مجهولی را تبدیل به معلوم کند، آن را آزمایش می‌کند. مثلاً: مواد غذایی را به آزمایشگاه می‌برند برای اینکه ببینند سالم است یا نه. این امتحانی است که هدف امتحان کننده از آن این است که می‌خواهد حقیقتی را کشف کند. در مورد خداوند نسبت به بندگانش چنین امتحانی معنی ندارد.

نوع دوم: گاهی آزمایش برای اتمام حجت است؛ یعنی برای این است که به خود امتحان شونده امری را ثابت کند، خودش می‌داند که به کدام دانش آموز باید نمره قبولی بدهد و به کدام نمره رد بدهد. به کدام یک باید بیست بدهد، به کدام یک نمره نوزده و به کدام چهارده. ولی مسلم است که اگر امتحان نکرده بخواهد این نمره‌ها را بدهد، غیر از آن کسی که بیست می‌گیرد همه اعتراض می‌کنند. او آنها را امتحان می‌کند تا بر همه روشن شود که نمره‌هایی که می‌خواهد بدهد همه درست است. امتحان به این معنی در مورد خدای متعال معنی دارد. ممکن است خدای متعال بنده‌ای را مورد امتحان قرار بدهد برای اینکه حجت بر آن بنده تمام بشود.

نوع سوم: گاهی امتحان برای تمرین امتحان شونده است؛ یعنی خدای متعال - که البته در مورد غیر خداوند متعال هم صدق می‌کند - انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد برای اینکه در طی آن آزمایش، استعدادهای درونی او به فعلیت برسد. مثل آدمی که خودش یا دیگری را به آب می‌اندازد برای اینکه شنا یاد بگیرد. این نوع امتحان، نوعی عمل و رفتار برای کمال یافتن است. بر اثر تلاش کردن در آب است که انسان شناگر می‌شود.

امتحانات الهی برای این جهت است که انسان در خلال آن گرفتاری‌ها، کمال یابد.

(مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۷، ۱۸۳).

قرآن مجید به این حقیقت تصریح دارد و می‌فرماید:

وَلِيَتْلِيَّ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران: ۱۵۴)؛ آنچه را که شما در سینه دارید می‌آزماید تا دل‌های شما کاملاً خالص گردد و او به همه اسرار درون شما آگاه است.

به تعبیر دیگر: در سر دو راهی‌ها و سختی‌ها قرار دادن، برای آنکه استعدادهای درونی‌اش، بروز و ظهور کند؛ یعنی اگر این آزمایش نباشد او در حد خامی و بالقوه می‌ماند. این آزمایش است که تکمیل‌کننده است. نوع سوم آزمایش یعنی آزمایش تکمیل‌کننده. آزمایش الهی در باره بندگان همان خصلت تکمیل‌کنندگی را دارد. (مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۸، ۱۳۵).

بعد از روشن شدن مفهوم آزمایش الهی، این سؤال را باید از نگاه آیات کریمه پاسخ داد که فلسفه آزمایش الهی چیست؟ مگر خداوند عالم به سر و غیب نیست. خدایی که هر آنچه در زمین و آسمان است بر او مخفی نیست، برای چه آزمایش می‌کند؟ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ.» (آل عمران: ۵) هیچ چیز در آسمان و زمین بر خدا مخفی نمی‌ماند.

آیات فراوانی در زمینه علم خدا نسبت به سر و غیب وجود دارد که حاکی از علم مطلق خداوند است، پس چرا آزمایش می‌کند؟

فلسفه ابتلاء از دیدگاه قرآن

می‌دانیم تکلیف و آزمایش‌هایی که از جانب خداوند بر بنده تحمیل می‌شود، برای خدای تعالی، نفع و یا ضرری ندارد و هدف از آفرینش انسان این است که او با افعال اختیاری خودش به کمال برسد. از این دیدگاه هدف نهایی، تقرب به خدای متعال، کسب رضای او و عبودیت و بندگی وی است. خدای متعال برای اینکه انسان‌ها را به این هدف‌ها نزدیک تر کند و وسایل تحقق آنها را فراهم سازد، سنت‌هایی مطلقاً دارد که اصلی‌ترین آنها دو سنت است: یکی سنت هدایت توسط انبیاء و دیگری سنت آزمایش. امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه «لِیَلُوکُمْ اِیْکُمْ اِحْسَنَ عَمَلًا» می‌فرماید: «انه عزوجل خلق خلقه لیلوهم بتکلیف طاعته و عبادته، لا علی سبیل الامتحان والتجربة، لانه لم یزل علیما بکل شیء.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ۸۰).

«خداوند عزوجل موجودات را خلق کرد تا طاعت و عبادتشان را بیازماید نه به خاطر آزمایش و تجربه (تا علم بیابد) برای اینکه او همیشه، بر هر چیزی آگاه بوده است.»
در پاسخ به این سؤال قبلی باید گفت از نگاه آیات کریمه، علل متعددی بر آزمایش الهی وجود دارد که عبارتند از:

۱. ظهور حقیقی شخصیت افراد

مهم‌ترین فلسفه و حکمت ابتلاء (آزمایش) از دیدگاه قرآن کریم، شناسایی چهره واقعی افراد به معنای ظهور صلاحیت‌ها و استعداد‌های آنان و طهارت و خبثت نفس انسان است؛ چرا که برجستگی‌ها و کرامت‌های روحی انسان در شرایط دستور ابتلاء خود را نشان می‌دهد. قرآن کریم در آیات متعددی بر این حقیقت تصریح نموده است که ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌شود.

۱. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ» (محمد: ۳۱).
ما همه شما را قطعاً آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود، مجاهدان واقعی و صابرین از میان شما کیانند و اخبار شما را بیازماییم.

جمله «حتی نعلم المجاهدین منکم» به این معنا نیست که خداوند از این گروه آگاهی ندارد بلکه منظور تحقق معلوم الهی است؛ یعنی تا این علم الهی تحقق خارجی یابد و عینیت حاصل کند و صفوف مشخص شود. (مکارم شیرازی/۲۱/۴۸۲).

۲. «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ.»
(عنکبوت: ۳).

ما کسانی را که پیش از آنان بودن آزموده‌ایم. باید علم خدا در مورد کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند، تحقق یابد.

معنای علم خدا به همان معنای قبلی است که در ذیل آیه ۳۱ محمد گفته شده است.
۳. «وَلَيَبْيَأَنَّ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلَيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.» (آل عمران: ۱۵۴). او آنچه را که در سینه دارید می‌آزماید تا دل‌های شما کاملاً خالص گردد و او به همه اسرار درون شما آگاه است.

۲. معیار ثواب و پاداش

علی علیه السلام می‌فرماید: گرچه خداوند به روحیات بندگان از خودشان آگاه‌تر است ولی آنها را امتحان می‌کند تا کارهای خوب و بد که معیار پاداش و کیفر است از آنها ظاهر گردد. (نهج البلاغه/قصار/۹۳). یعنی صفات درونی انسان به تنهایی نمی‌تواند معیاری برای ثواب و عقاب گردد، مگر آن زمانی که در لابلای اعمال انسان، خود نمایی کند. خداوند بندگان را می‌آزماید تا آنچه در درون دارند در عمل آشکار کنند. استعدادها را از قوه به فعل برسانند و مستحق پاداش و کیفر او گردند. اگر آزمایش الهی نبود، این استعدادها شکوفا نمی‌شد و درخت وجود انسان میوه‌های اعمال بر شاخسارش نمایان نمی‌گشت و این است فلسفه آزمایش الهی در منطق اسلام. (مکارم شیرازی/۱/۵۲۸).

به تعبیر علامه محمد جواد مغنیه، مبتلا شدن به بلا، محکی است که حقیقت انسان را آشکار می‌سازد. برای نمونه، انسان با ایمان و با خرد در هنگام مصیبت، از دین خود خارج

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن ۲۷

نمی‌شود و سخنی را که نشان دهنده کفر و سفاهت و نادانی باشد، به زبان نمی‌آورد بلکه صبر می‌کند و گرفتاری، عقل و ایمان او را از بین نمی‌برد، اما انسانی که خرد و ایمانش ضعیف باشد، شیطان بر او مسلط می‌شود و روش کفر و دشنام و پستی را در پیش می‌گیرد و در چاه رذالت و سفاهت سقوط می‌کند.

بهترین سخن در این باره، سخن سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است که فرمود: مردم، بندگان دنیایند و دین، تنها لقلقه زبان آنان است. آنان تا زمانی پیرامون دین می‌گردند که زندگی‌شان بچرخد و هرگاه به بلا و سختی گرفتار شوند، تعداد دین داران اندک خواهد شد. (مغنیه/الکاشف/۱/۴۳۹).

۳. مشخص شدن عمل حسن

اعمال آدمی در فرهنگ قرآنی در یک تقسیم کلی دو نوع است: ۱. عمل صالح. ۲. عمل غیر صالح. عمل صالح هم به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. عمل حسن. ۲. عمل احسن. از فلسفه‌های آزمایش الهی این است که مشخص شود چه کسی عمل احسن انجام داده است. فرمود: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ.» (ملک/۲) «آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید. خداوند عزیز و بخشنده است.»

در توضیح عمل حسن گفته می‌شود که عمل نیک از دو حیثیت برخوردار است. ۱. کمیت عمل. ۲. کیفیت عمل.

آنچه در فرهنگ قرآنی مهم است و ارزش دارد و به عمل، ارزش و اعتبار عالی می‌دهد، کیفیت عمل است، نه کمیت عمل. اگر تعبیر این بود که چه کسی بیشتر عمل می‌کند، تکیه بر روی کمیت عمل بود. ولی وقتی که فرمود: «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.» تکیه روی کیفیت است. خدا انسان را مورد آزمون بهترین عمل قرار داده است، نه آزمون زیادترین عمل. این است که در حدیث آمده است که مراد از احسن عملاً، اصوب عملاً است. آنچه جنبه صواب بودنش بیشتر باشد. (مطهری/آشنایی با قرآن/ج ۸/۳۹-۱۳۸).

و همچنین فرمود: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.»
(کهف: ۷۰)

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم کدامشان بهتر عمل می کنند.

۴. برگشت به سوی حق

خداوند کریم رحمت را بر خودش واجب فرموده است، فرمود: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ.» (انعام: ۵۴) و از طرفی هدف اصلی خلقت انسان، عبودیت انسان در برابر حق تعالی می باشد. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.» (ذریات: ۵۶). ما جن و انس را خلق نکردیم مگر اینکه عبادت کنند.

با توجه به دو مقدمه فوق، وجوب رحمت الهی و هدف خلقت، بر خداوند است از باب قاعده لطف از هر نوزمینه سازی برای برگشت بندگان به سوی خویش دریغ نفرماید. یکی از اسباب برگشت بشر به سوی خدا این است که خداوند انسان را در بوته گرفتاری ها قرار دهد تا انسان عقل و فکر خود را بکار اندازد و از علت سختی ها و بلاها عبرت بگیرد و مسیر خود را به سوی خدا سوق دهد. قرآن به این حقیقت که برگشت بشر به سوی حق از علل فلسفه آزمایش الهی است، اشاره نموده و می فرماید:

«وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.» (اعراف: ۱۶۸) و آنها را (قوم بنی اسرائیل) در زمین به صورت گروهی پراکنده ساختیم، گروهی از آنان صالح و گروهی غیر آن هستند و آنها را به نیکی و بدی آزمودیم شاید باز گردند.

دو ویژگی مهم آزمایش

۱. مجهول بودن

در امتحان باید نقطه مجهولی گنجانده شود تا میزان قابلیت موجود در مورد آزمایش روشن

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن ۲۹ □

شود. برای مثال اگر حضرت ابراهیم علیه السلام از ابتدا می دانستند قوچی بهشتی فدای اسماعیل علیه السلام می شود. «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ.» (صافات: ۱۰۷) به دست گرفتن کارد و کشیدن بر گلوی فرزند هنری نبود. آنچه اهمیت داشت، این بود که تا آخر بیندازد این کار باید انجام شود و اراده جدی خداوند است. چنانکه هنگام پرتاب شدن در دل آتش می بایست از گلستان شدن در پایان آزمون بی خبر باشند «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ.» (انبیاء: ۶۹) و گرنه تسلیم و رضا، آزمون دشواری نبود. (مصباح یزدی/زینهار از تکبر/۵۸).

۲. تناسب با افراد

آزمایش باید به گونه ای باشد که توان پاسخگویی وجود داشته باشد؛ مثلاً هیچگاه حل فرمول های پیچیده ریاضی را از یک دانش آموز ابتدایی نباید خواست؛ از این رو اگر خداوند یک هزارم امتحان های انبیاء و اولیاء را از ما به عمل آورد، همان اول مردود خواهیم شد. (همان/۱۰۱).

انواع گوناگون بلا

بلا و امتحان در روایات جنبه های مختلفی دارد که اگر این جنبه ها توجه شود، مسیر زندگی بشر عوض خواهد شد و از درد و رنج، ناله و فریاد نمی کند؛ بلکه خدا را سپاس می گوید.

۱. بلا، آزمون تکامل

مهم ترین جنبه بلاها، خاصیت رشد دهندگی آنهاست. در حالت آسایش و راحتی، قابلیت های نهفته انسان پرورش نمی یابد. شهید مطهری رحمته الله علیه می فرماید: «زشتی ها مقدمه وجود زیبایی ها و آفریننده و پدیدآورنده آنها هستند.» (مطهری/۱/۱۷۴). به همین جهت قرآن کریم فرمود: «همانا انسان را در رنج و سختی آفریدیم.» (بلد/۴).

شهید مطهری رحمته الله علیه در این زمینه می فرماید: «این خصوصیت مربوط به موجودات زنده

بالاخص انسان است که سختی‌ها و گرفتاری‌ها، مقدمه‌ای کمال‌ها و پیشرفت‌هاست. ضربه‌ها، جمادات را نابود می‌سازد و از قدرت آنان می‌کاهد؛ ولی موجودات زنده را تحریک می‌کند و نیرومند می‌سازد؛ بس زیادت‌ها که اندر نقص‌هاست. مصیبت‌ها و شدائد، برای تکامل بشر ضرورت دارد، اگر محنت‌ها ورنج‌ها نباشد، بشر تباه می‌گردد.» (مطهری/مجموعه آثار/ج ۱/۱۷۶).

۲. بلا و تطهیر گناهان

جنبه دوم بلا و شدائد، پاک کردن گناهان و لغزش‌های انسان است. ممکن است انسان دچار لغزش‌هایی شده باشد که پیامدهایی تلخی به دنبال آورد. ماندن آنها برای آخرت خیلی سخت است. اگر بتوان آنها را در این دنیا تسویه کرد، موقعیت ممتازی است. این کار به وسیله بلاها و شدائد، صورت می‌گیرد. (پسنیدیه/۲۹۳).

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی آیه «من يعمل سوءا یجز به» نازل شد، هرکس عمل بدی انجام دهد کیفر آن را می‌بیند. بعضی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: آیه‌ای از این سخت‌تر نیست. پس پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: آیا در اموال و جان‌ها و خانوادتان دچار مصیبت نمی‌شوید؟ گفتند: بله. حضرت فرمود: این از آن چیزهایی است که خداوند به وسیله آن، برای شما حسنه می‌نویسد. و به وسیله آن بدی‌ها را محو می‌کند. (همان/۲۹۴).

۳. بلا و ترفیع درجه

همیشه بلاها به معنای کنه‌کار بودن فرد نیست. گاهی خداوند برای اینکه درجه کسی را بالا ببرد، او را مبتلاء می‌سازد. اینجاست که راز ابتلای انبیاء و اولیای الهی مشخص می‌شود. بلاها برای آنها که از مقام عصمت برخوردارند، پاک‌کننده نیست، ترفیع دهنده است. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت بیمار شد به گونه‌ای که از شدت درد، به خود می‌پیچید و می‌نالید، عایشه که از این وضع در شگفت شده بود گفت: اگر بعضی از ما این کار را می‌کرد

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن ۳۱

به او خرده می‌گرفتی. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «همانا بر صالحان سخت گرفته می‌شود. به تحقیق رنجی به مؤمن نمی‌رسد، از یک تیغ باشد تا بالاتر از آن، مگر آنکه خطایی را او پاک می‌کند و او را درجه‌ای بالاتر می‌برد. (همان/۲۹۵).

اثر تربیتی بلاها و شدائد

سختی و گرفتاری، هم تربیت‌کننده فرد و هم بیدارکننده ملت‌هاست. سختی، بیدار سازنده و هوشیارکننده انسان‌های خفته و تحریک‌کننده عزم‌ها و اراده‌هاست. شدائد، همچون صیقلی که به آهن و فولاد می‌دهد، هرچه بیشتر با روان آدمی تماس گیرد، او را مصمم‌تر و فعال‌تر و برنده‌تر می‌کند؛ زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی‌ها مقاومت کند و به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه آماده مقابله با آن گردد. سختی هم‌چون کیمیا، خاصیت قلب ماهیت کردن دارد. جان و روان آدمی را عوض می‌کند. اکسیر حیات دو چیز است: عشق و آن دیگر بلا. این دو نبوغ می‌آفرینند و از مواد افسرده و بی‌فروغ، گوهری تابناک و درخشان به وجود می‌آورند. (مطهری/۱۸۰).

به همین خاطر در روایات آمده است اگر کسی بلا نیند، گرفتار بدترین نوع عقوبت است، ولی متوجه نیست. چرا که اگر بلا و آزمایش می‌دید، بیدار می‌شد. در قصص انبیاء آمده که مردی به شعیب پیامبر ﷺ گفت چرا من این همه گناه می‌کنم و خداوند مرا عقوبت نمی‌کند. به جواب آمد که تو گرفتار بدترین نوع عقوبت‌ها هستی و نمی‌دانی. (همان/۱۸۴).

همچنین در روایت آمده است که پیامبر اکرم ﷺ به خانه یکی از مسلمانان دعوت شدند. وقتی وارد منزل او شدند، مرغی را دیدند که بر بالای دیوار تخم گذاشته و تخم آن به میخی بنده شده و نیفتاده است. رسول اکرم ﷺ در شگفت شدند. صاحب خانه گفت: آیا تعجب کردید؟ قسم به خدایی که شما را به پیامبر برانگیخت، هرگز به من آسیبی نرسیده است! رسول اکرم ﷺ تا این جمله را شنیدند، برخاستند و در خانه آن مرد غذا میل نکردند و فرمودند: کسی که هرگز مصیبتی ندیده، مورد لطف خداوند نیست. (مصباح یزدی/۲۷۶).

بنابر این، اگر درست به بلا (آزمایش) نگریسته شود، پی می‌بریم که سختی‌ها و بلاها نقش تربیتی و بیدارگری دارند. سختی‌ها انسان‌ها خفته و بی‌تحرک را بیدار و هوشیار می‌سازند و عزم و اراده ایشان را بر می‌انگیزند. خاصیت زندگی دنیا این است که با سختی‌هاست و در این بین هرچه بر مقاومت انسان افزوده شود، بر تکامل او افزوده می‌گردد و رفته رفته، نبوغ و استعدادهاى نهفته او را شکفته‌تر می‌گرداند. (همان/۴۷۶).

در قرآن کریم هم به این حقیقت - اثر تربیتی بلا - اشاره شده است: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا - إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.» (شرح: ۶). پس بی‌تردید با دشواری آسانی است (آری) بی‌تردید با دشواری آسانی است.

این آیه گویای نقش مهم رنج و مشقت‌ها در ساخته شدن و تکامل اوست. و الا اگر جز این بود، خداوندی که سرچشمه رأفت و رحمت است و سعادت و خیر بنده خود را می‌خواهد، او را قرین رنج و زحمت نمی‌کرد. (مصباح یزدی/۴۷۵).

به تعبیر استاد مطهری رحمته‌الله، آدمی باید مشقت‌ها تحمل کند و سختی‌ها بکشد تا هستی لایق خود را بیابد. تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است. موجودات زنده با این شلاق راه خود را به سوی کمال می‌پیمایند. این قانون در جهان نباتات، حیوانات و بالاخص انسان صادق است. (مطهری/۱۷۶).

از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: خداوند از بنده مؤمنش تقصد می‌کند و برای او بلاها را اهدا می‌نماید، همان طوری که مرد در سفر برای خانواده خودش هدیه‌ای می‌فرستد. و از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند زمانی که بنده‌ای را دوست بدارد، او را در دریای شدائد غوطه ور می‌سازد. (ری شهری/۸۵).

آنچه از آیات و روایات در این زمینه فهمیده می‌شود این است که بلا یقیناً اثر تربیتی دارد. اگر بشر بفهمد که لازمه زندگی، تحمل مشکلات است و بلا هدیه‌ای از طرف خداوند و نماد محبت خداوند است، هیچ وقت خودش را نمی‌بازد بلکه با جان و دل، سختی‌ها و گرفتاری‌ها را در آغوش می‌گیرد و مطابق دستور حق عمل می‌نماید.

نتیجه

یکی از بحث‌های کلیدی معارف قرآنی، امتحان و آزمایش است که در آیات و روایات متعددی از آن سخن به میان آمده است. و از زوایای مختلفی به آن نگریسته شده است. آزمایش و امتحان برای زندگی انسان ضروری است و بدون آزمایش بشر روی تکامل را نخواهد دید؛ به همین دلیل هیچ کسی از آزمایش الهی مستثنی نیست. حتی مقرب‌ترین افراد نزد خداوند از آزمایش سخت‌تری برخوردارند.

لذا قرآن کریم برای توجه دادن به عمومیت این سنت الهی، بعضی از ابزار آزمایش، آزمایش شدن پیامبران و اقوام آنها را در آیات متعددی ذکر کرده است. از این رو با دقت در آیات کریمه، روشن می‌شود که آزمایش الهی رابطه تنگاتنگی با رحمت الهی دارد و اثر تربیتی بلا و شدائد هم در تکامل، و تطهیر گناهان و ترفیع درجه افراد، برای هیچ فردی قابل انکار نیست.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغة، فیض الاسلام.

ابن بابوی، محمد علی، الخصال، مصحح، علی اکبر غفاری، ناشر: جامعه مدرسین، مکان چاپ، قم، ۱۳۶۲، ه.ش.

ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ناشر: مكتبة الاعلام الاسلامی، مکان چاپ، قم، ۱۴۰۴، ه.ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، مصحح، جمال الدین میردامادی، لسان العرب، ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، مکان چاپ، بیروت، ۱۴۱۴، ه.ق.

پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۶، ه.ش.

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، چاپ و نشر، اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، ناشر: دار العلم للملایین، مکان نشر: بیروت، لبنان، ۱۴۰۴، ه.ق.

حسینی دشتی، مصطفی. فرهنگ معارف و معاریف، دائر المعارف جامع اسلامی.

خرمشاهی، بهاء الدین، دانش نامه قرآن. دائر المعارف اسلامی، نشر: ۱۳۷۶، ه.ش.

خمینی، روح الله، چهل حدیث، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، محل نشر: تهران، ۱۳۹۴، ه.ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، مترجم، غلام رضا خسروی، ناشر: مرتضوی، مکان چاپ، تهران.

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر همدانی، چاپ پنجم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، ۱۳۷۰، ه.ش.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱، ه.ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

بررسی مصداقی و مفهومی، واژه امتحان و ابتلاء و مترادفات آن در قرآن □ ۳۵

- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳. ه.ق.
- مجمع البيان في تفسير القرآن، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، مکان چاپ، تهران، ۱۳۷۲، ه.ش.
- مجموعه آثار. ج ۱، چاپ پنجم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳، ه.ش.
- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، ترجمه محمد رضا شیخی، چاپ سوم، موسسه چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۴، ه.ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ناشر: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____ ره توشه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، ه.ش.
- _____ زینهار از تکبر، چاپ اول، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، ه.ش.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، چاپ اول، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷، ه.ش.
- _____ بیست گفتار، ناشر: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد، الکاشف، ترجمه موسی دانش، موسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳، ه.ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، مکان چاپ، تهران، ۱۳۷۴. ه.ش.
- موسوی نسب، سید جعفر، ابتلاء و آزمایش انسان در قرآن، چاپ اول، ارزشمنند، ۱۳۸۵، ه.ش.

